



University of Tehran Press

Designing a legal system model for capital market regulation in Iran with a data-based approach

Hamed Barzegary Dehaj¹ | Aliakbar Jafari Nadoushan^{2✉}

Mohammed Hussain Jafari³

1. Ph.D. Student in Public law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: h.barzagaridehaj@gmail.com
2. Corresponding Author; Associate Prof., Department of Law, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran. Email: jafarinadoushan@yazd.ac.ir
3. Assistant Prof., Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: vakeel@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1-28</p> <hr/> <p>Received: 2025/02/15</p> <p>Received in Revised form: 2025/05/31</p> <p>Accepted: 2025/08/04</p> <p>Published online: -----</p> <hr/> <p>Keywords: <i>capital market, regulation, legal system, model, database.</i></p>	<p>Regulation is one of the important economic roles of governments, which aims to determine market structures and rules and regulate the process of production and distribution of goods under the supervision of government regulations. One of the most important parts of regulation is the legal system that governs it, which plays a significant role in the development and stability of a country's economy, especially in the regulation of the capital market. And countries like Iran must solve the challenges of implementing regulations and effective supervision of their capital market. This article examines the development of a legal system model to regulate the capital market in Iran with a data-based approach and focuses on the key principles of a modern and efficient legal system and how to apply these principles in the Iranian capital market. The statistical population included 12 capital market activists, experts and university professors related to the subject of the research. The data were analyzed using the three-step coding method of Strauss and Corbin. The findings of the research show that the design of a suitable legal system model for regulating the capital market of Iran is necessary in order to improve the performance and transparency of this market. Also, effective interactions between financial actors and strengthening of independent regulatory institutions can help to reduce challenges and obstacles in regulation.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Barzegary Dehaj, Hamed; Jafari Nadoushan, Aliakbar; Jafari, Mohammed Hussain (2026). Designing a legal system model for capital market regulation in Iran with a data-based approach. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-28. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.390254.3694</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2025.390254.3694</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۳۴۲۳

دوره: -- شماره: --

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

طراحی الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده‌بنیاد

حامد برزگری دهج^۱ | علی‌اکبر جعفری ندوشن^۲ | محمدحسین جعفری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. رایانامه: h.barzagaridehaj@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: jafarinadoushan@yazd.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. رایانامه: vakeel@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۸-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳</p> <p>تاریخ انتشار برخط: -----</p> <p>کلیدواژه‌ها: بازار سرمایه، تنظیم‌گری، نظام حقوقی، الگو، داده‌بنیاد.</p>	<p>تنظیم‌گری یکی از نقش‌های اقتصادی مهم دولت‌ها است، که با هدف تعیین ساختارها و قواعد بازار و تنظیم روند تولید و توزیع کالاها زیر نظر مقررات دولتی صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های تنظیم‌گری، نظام حقوقی حاکم بر آن است که به‌ویژه در تنظیم بازار سرمایه نقش بسزایی در توسعه و ثبات اقتصاد یک کشور دارد و کشورهایی همچون ایران باید چالش‌های اجرای مقررات و نظارت مؤثر بر بازار سرمایه خود را برطرف کند. این مقاله به بررسی توسعه یک مدل نظام حقوقی برای تنظیم بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده‌بنیاد می‌پردازد و به بررسی اصول کلیدی یک نظام حقوقی مدرن و کارآمد و چگونگی اعمال این اصول در بازار سرمایه ایران تمرکز می‌کند. جامعه آماری شامل ۱۲ نفر از فعالان بازار سرمایه، کارشناسان و اساتید دانشگاه مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای اشراف و کوربین تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی یک الگوی نظام حقوقی مناسب برای تنظیم بازار سرمایه ایران، به‌منظور بهبود عملکرد و شفافیت این بازار ضروری است. همچنین، تعاملات مؤثر بین بازیگران مالی و تقویت نهادهای مستقل نظارتی می‌تواند به کاهش چالش‌ها و موانع موجود در تنظیم‌گری کمک کند.</p>
استناد	<p>برزگری دهج، حامد؛ جعفری ندوشن، علی‌اکبر؛ جعفری، محمدحسین (۱۴۰۴). طراحی الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده‌بنیاد. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، -- (--)، ۲۸-۱.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.390254.3694</p>
DOI	10.22059/jpls.2025.390254.3694
ناشر	<p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p> 

۱. مقدمه

یک سیستم مالی پویا و هدفمند رکنی کلیدی برای موفقیت اقتصادی یک کشور است، که امکان فعالیت اقتصادی مؤثر را در بین گروه‌ها و نهادهای مختلف فراهم می‌کند. چارچوب قانونی و نظارتی حاکم بر سیستم‌های مالی نقش مهمی در تضمین سلامت و عملکرد سیستم و نیز حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ایفا می‌کند؛ و قوانینی را در بر می‌گیرد که تمامی مؤسسات و شرکت‌های فعال در حوزه مالی از جمله بانک‌ها، بورس‌ها، شرکت‌های بیمه و سایر مؤسسات اعتباری را در بر می‌گیرد. در دهه‌های اخیر، به دلیل ادغام بازارهای مالی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و نوآوری‌های سریع تولید، دولت دیگر تنها عامل تنظیم‌گر مالی نیست. در عوض، یک رویکرد نظارتی جدید که شامل چندین بازیگر است در حال ظهور است. به‌طور خاص در ایران، دولت به‌طور سنتی نقش سیاست‌گذاری، نظارت و تنظیم را حتی در کوچکترین مسائل مربوط به اقتصاد بر عهده گرفته است. با این حال، با توجه به تحولات اقتصادی و فناوری اخیر، بازیگران جدیدی مانند شرکت‌های خصوصی در بخش مالی ظهور کرده‌اند که منجر ظهور به عصر جدیدی در مقررات مالی شده است. خصوصی‌سازی صنایع دولتی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به رسمیت شناخته شد و اصل ۴۴ قانون اساسی سیاست‌های کلی خصوصی‌سازی صنایع بزرگ و مرحله جدیدی از مقررات مالی مبتنی بر بخش خصوصی را ابلاغ کرد (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۷).

در رابطه با بازار سرمایه، قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ با هدف تأکید بر نقش بخش خصوصی و حمایت از آن از طریق یک سری هنجارهای قانونی و سازمانی در بازار سرمایه ایران تصویب شد؛ اما چالش‌ها و موانع موجود در مقررات مالی در ایران و همچنین حضور پررنگ دولت در حوزه‌های مالی و اقتصادی به دلیل اتکای چشمگیر به درآمدهای نفتی و نبود تمایز بین سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات، تأثیر زیادی بر امور مالی و اقتصادی و نیز بازار سرمایه ایران کشور گذاشته است (منظور و حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). با توجه به این وضعیت، اهمیت الگوی نظام حقوقی برای تنظیم بازار سرمایه در ایران با توجه به چالش‌ها و موانع موجود در مقررات مالی افزایش یافته است. به عبارت دیگر، طراحی یک الگوی نظام حقوقی برای تنظیم بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده-بنیاد برای غلبه بر چالش‌ها و موانع موجود در مقررات مالی بسیار مهم است. طراحی چنین الگویی مستلزم درک جامعی از تعاملات بین بازیگران بخش مالی، ساختارهای نهادی، و سازمانی حامی بازار سرمایه و چارچوب قانونی و نظارتی حاکم بر آن خواهد بود، که مقاله حاضر چنین هدفی را دنبال می‌کند.

۲. ادبیات پژوهش

به‌رغم وجود آثار متعدد در زمینه تنظیم‌گری حقوقی بازار سرمایه در ایران، ارائه الگو برای تنظیم‌گری حقوقی در دستور کار پژوهشی قرار نگرفته است و اثری در این زمینه موجود نیست. با این حال، برخی از آثار مرتبط با پژوهش حاضر که به بررسی ابعاد مختلف بازارهای سرمایه و نقش تنظیم‌گری در آنها پرداخته‌اند، به شرح ذیل است:

منظور و حسین‌زاده یزدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری نظام مالی در ایران: ارزیابی مقایسه‌ای» به بررسی و تبیین بحران‌های مالی بین‌المللی پرداخته‌اند تا از رهگذر آن و با بررسی بحران‌های نظام مالی ایران به ارائه الگوی برای ترمیم ساختار تنظیم‌گری مالی در ایران دست یابند. این مقاله به‌طور خاص بر تمرکز و عدم تمرکز در نظارت، سیاست‌گذاری‌های کلان، و جایگاه بانک مرکزی در حوزه نظارت و تنظیم‌گری می‌پردازد.

زارعی و متانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق تنظیمی بانکی و آسیب‌های آن در نظام بانکی ایران» به تبیین مبانی حقوق تنظیمی بانکی و بررسی نقش سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام مالی و بانکداری ایران پرداخته‌اند و سمت‌وسوی فعلی اقتصادی ایران را، حرکت از مسیر نظارت کلی و بخشنامه‌ای دولت (اقتصاد ایستا) به سوی اقتصاد بازار و اهمیت بخش خصوصی (اقتصاد پویا) در فرآیندهای جدید اقتصادی دانسته‌اند. از منظر این مقاله هرگونه ناکارآمدی در عملکرد سیستم بانکی موجب ناکارایی در باقی بخش‌های اقتصادی جامعه می‌شود و آسیب‌های زیادی به اقتصاد کلان و بخش خصوصی وارد می‌کند. وظیفه این تنظیم‌گری میان بانک‌ها و دولت بر عهده بانک مرکزی است.

باقری و احضاری (۱۳۹۸) در مقاله «ابعاد حقوقی بازار سرمایه غیرمتشکل؛ با نگرش تطبیقی در حقوق ایالات متحده» به بررسی تطبیقی حقوق مالی آمریکا و مقایسه آن با فعالیت‌های شرکت فرابورس ایران پرداخته‌اند. این شرکت به‌عنوان تنها نهاد و مصداق بازار خارج از بورس ایران توسط شورای عالی و سازمان بورس تشکیل شد، اما به‌مرور تنظیم‌گری در خصوص بازار سرمایه غیرمتشکل ایران را با موانع و بحران‌های زیادی مواجه کرد؛ که علت آن نبود آزادی عمل در شرکت فرابورس ایران و وابستگی آن به سازمان بورس است. درحالی‌که در آمریکا این نظارت به‌طور غیرمستقیم و از طریق تشکل‌های خودانتظام عمل می‌کند.

امامیان و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «نظام ملی تنظیم‌گری؛ مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با حکمرانی» عرصه‌های مرتبط با تنظیم‌گری در ایران را با چالش‌های متعدد نظری، حقوقی و اجرایی همراه می‌داند، که در بلندمدت زمینه بحران برای حکمرانی کلان را فراهم می‌کند. به‌طور روشن‌تر به‌رغم وجود قوانین حامی خصوصی‌سازی، هنوز رویکرد غالب در ایران از مداخله مطلق دولت در تنظیم‌گری ابعاد مختلف اقتصاد و بازارهای ایران حکایت دارد. راه‌حل این مسئله را در تلاش برای تطابق و سازگاری

هر چه بیشتر ابعاد مختلف تنظیم‌گری با مدل حکمرانی جمهوری اسلامی و ظرفیت‌های حاکمیت در اداره امور اقتصادی می‌داند تا بحران موجود حل‌وفصل شود.

رهبر (۱۳۹۵) در مقاله «حفظ نظام بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافته است که کارایی مؤثر نهادهای تنظیم‌گر مالی با استقلال آن‌ها در هم‌گره خورده است و به عبارتی، آنچه بیش از همه می‌تواند کارایی مؤثر چنین نهادهایی را سبب شود، تضمین استقلال آن‌ها است. از نظر این مقاله، شورای عالی بورس و سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان ارکان اصلی بازار سرمایه ایران از جمله مهم‌ترین نهادهای مالی‌ای هستند، که باید به تنظیم‌گری آنان توجه شود.

تحقیق در مورد طراحی مدل نظام حقوقی تنظیم بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده‌بنیاد از چندین بُعد با تحقیقات قبلی متفاوت است. اولاً، به جای رویکردهای مبتنی بر داده‌های قبلی، بر رویکرد داده‌بنیاد تکیه دارد. این بدان معنی است که تمرکز بر درک مکانیسم‌ها و فرآیندهای اساسی است که تکامل سیستم نظارتی بازار سرمایه را هدایت می‌کند، نه صرفاً تجزیه و تحلیل داده‌های تجربی و دست‌دوم قبلی. دوم، رویکرد نظریه داده‌بنیاد شامل بررسی گسترده‌تری از ادبیات و بررسی عمیق زمینه تنظیم بازار سرمایه در ایران است و این اجازه را می‌دهد تا درک دقیق‌تر و جامع‌تری از تعاملات پیچیده بین بازیگران، نهادها و عوامل خارجی مختلف که محیط نظارتی را شکل می‌دهند، داشته باشیم. در نهایت، رویکرد تئوری داده‌بنیاد در درک خود از سیستم نظارتی دارای تفاوت‌های ظریف‌تری است، زیرا بافت منحصر به فرد فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی کشور را در نظر می‌گیرد.

۳. ادبیات نظری

کلمه «Regulation» از کلمه فرانسوی «règlement» گرفته شده است، که به مجموعه‌ای از قوانین یا دستورالعمل‌هایی اشاره دارد که برای اداره یا کنترل یک فعالیت یا فرآیند خاص هستند. مفهوم مقررات در اواخر قرن نوزدهم در حوزه حقوقی و در محافل اقتصادی اهمیت پیدا کرد، زمانی که از آن برای رسیدگی به صلاحیت‌های مقامات اداری مستقل در قانون استفاده شد. اولین تلاش‌ها با هدف ایجاد تنظیم‌گری در اقتصاد و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در قرن نوزدهم در محافل سیاسی و اقتصادی ایالات متحده شکل گرفت. بعداً در آمریکا، ویلسون مفهوم مقررات را به روشی جدید توصیف کرد که هنوز آشکار نبود. در نیمه دوم قرن بیستم، این مفهوم در قالب یک حکومت نظارتی شکلی نظام‌مند و منسجم به خود گرفت که با گسترش حوزه‌های فعالیت اجتماعی انسان، نیاز به حضور پررنگ دولت در این حوزه‌ها اجتناب‌ناپذیر شد (Gurria, 2019: 15-17).

تنظیم‌گری به کلیه مداخلات دولت با هدف دستیابی به اهداف خاص، مانند حفاظت از منافع عمومی،

ترویج رقابت منصفانه یا تنظیم فعالیت‌هایی که تأثیر قابل توجهی بر دارایی افراد دارد، اشاره دارد. تنظیم‌گری قانونی شامل مقررات، قوانین یا دستوراتی است که توسط دولت، سازمان یا سایر نهادهای نظارتی برای تنظیم رفتار افراد، سازمان‌ها و یا صنایع صادر می‌شود. تنظیم‌گری معمولاً برای دستیابی به یک هدف خاص، مانند حفاظت از سلامت و ایمنی عمومی، ترویج رقابت منصفانه، یا تنظیم فعالیت‌هایی که تأثیر قابل توجهی بر دارایی افراد دارند، ایجاد می‌شود و می‌تواند شامل مجموعه‌ای از الزامات، استانداردها یا رویه‌ها باشد. توسط افراد یا سازمان‌ها دنبال شود (Bora, 2017: 16). تنظیم حقوقی بازار سرمایه نیز به چارچوب قانونی حاکم بر عملکرد بازارهای مالی مانند بورس اوراق بهادار و ابزارهای مالی مختلفی که در این بازارها معامله می‌شود، مانند سهام، اوراق قرضه و ... اشاره دارد (Madura, 2010: 32).

در نظریه‌های تنظیمی، دو مدل بحث اصلی وجود دارد: نظریه کلاسیک/کینزی و نظریه نئوکلاسیک. نظریه کلاسیک/کینزی بر نقش مداخله دولت در بازارهای سرمایه تأکید دارد، درحالی‌که نظریه نئوکلاسیک بر ماهیت خودتنظیمی بازارهای مالی تأکید دارد. پس از بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹، منجر به تغییراتی در سیاست‌های نظارتی و ایجاد نهادهای نظارتی جدید شد (Hodge, 2012: 202). مقررات اوراق بهادار، بانکداری و بیمه زیر سؤال رفته و مقررات جدیدی پدید آمده است، که به ظهور فعالیت‌های غیررسمی تر، ایجاد صندوق‌های سرمایه‌ای و سهام خصوصی دامن می‌زند. ایجاد نهادهای نظارتی جدید تنظیم‌کننده، قانونی بوده است و به عنوان سازگاری مستقل از دولت، بر مدل جدیدی از مدیریت و نقش بخش خصوصی اعم از شهروندان، شرکت‌ها، و نهادهای مدنی تأکید دارد. در رویکرد میانی بین دو نظریه، دولت تنها نقش واسطه‌ای برای هدایت فعالیت‌های بازار دارد، درحالی‌که بازار آزادانه تحت مقررات دولتی برای به حداکثر رساندن کارایی و حفظ منافع بخش خصوصی و دولتی در بلندمدت عمل می‌کند (Makina, 2007: 18).

بر اساس رویکردهای کلان نظری به تنظیم‌گری، می‌توان ملاک‌ها و سبک‌های متفاوت و متناظر از آن را نیز احصا کرد. نگاره ۱ چشم‌اندازی کلی از ملاک‌های تنظیم‌گری و سبک‌های منبعث از آن را ارائه می‌دهد.

نگاره ۲. انواع سبک‌های تنظیم‌گری

سبک	ملاک
پیش‌نگر پس‌نگر	زمان اعمال تنظیم بر عملکرد بازار
تنظیم مبتنی بر اصول تنظیم مبتنی بر مقررات	جزئی‌نگری و کلی‌نگری
یکپارچه چندگانه	ذات دوگانه بازار مالی (پول، سرمایه)
محدود	میزان مداخله

سبک	ملاک
گسترده	
خودتنظیمی	تعریف مفهومی
مبتنی بر حقوق موضوعه	
بالابه پایین	جهت مداخله
مشارکتی	

منبع: Prosser, 2007 و Ogus, 2004

۰۴. روش‌شناسی پژوهش

۰۴.۱. کاربرد روش نظریه داده‌بنیاد در طراحی الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه ایران: رویکردی استقرایی

مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد^۱ به‌عنوان پارادایم پژوهشی کیفی، به کشف و طراحی الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه ایران پرداخته است. انتخاب این روش مبتنی بر چندین ملاحظه نظری و روش‌شناختی بوده است، که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

در گام نخست، ضرورت اتخاذ رویکرد داده‌بنیاد از ماهیت اکتشافی موضوع پژوهش نشأت می‌گیرد. با توجه به نوپایی مفهوم تنظیم‌گری در ادبیات حقوقی ایران و فقدان چارچوب نظری جامع در این حوزه، روش‌های تحقیق سنتی مبتنی بر آزمون فرضیه‌های ازپیش‌تعیین‌شده، قادر به تبیین پیچیدگی‌های نظام حقوقی بازار سرمایه ایران نبودند. نظریه داده‌بنیاد با تأکید بر «کشف نظریه از داده‌ها» (Glaser & Strauss, 1967) این امکان را فراهم آورد تا بدون پیش‌فرض‌های نظری محدودکننده، به مطالعه عمیق پدیده تنظیم‌گری در بستر خاص اقتصادی-حقوقی ایران پرداخته شود.

فرآیند اجرای روش در این پژوهش شامل سه مرحله کلیدی بود: نمونه‌گیری نظری، گردآوری داده‌ها، و تحلیل مقایسه‌ای مداوم. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی انجام گرفت، که منجر به انتخاب ۱۲ نفر از خبرگان حوزه بازار سرمایه، شامل حقوقدانان، اقتصاددانان و فعالان بخش خصوصی شد. معیار توقف نمونه‌گیری، دستیابی به «اشباع نظری» بود که در آن داده‌های جدید هیچ مضمون یا بینش تازه‌ای به یافته‌ها اضافه نکردند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود که به پژوهشگر این امکان را داد تا ضمن حفظ تمرکز بر موضوع تحقیق، به کاوش تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان بپردازد. هر مصاحبه به‌صورت دقیق ضبط، رونویسی و کدگذاری شد. تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) و در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت.

در مرحله کدگذاری باز، داده‌های خام به ۱۲۰ کد اولیه تقلیل یافتند. این مرحله که مبتنی بر «حساسیت نظری» محقق بود، منجر به شناسایی مفاهیم پایه مانند «تضاد منافع نهادهای نظارتی»، «فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها» و «چالش‌های خصوصی‌سازی» شد. در گام بعدی، کدگذاری محوری از طریق شناسایی روابط بین مفاهیم انجام شد که نتیجه آن استخراج ۸ مقوله محوری شامل «چارچوب قانونی و نظارتی»، «نقش دولت» و «تعاملات بین‌نهادی» بود.

در نهایت، کدگذاری انتخابی منجر به شکل‌گیری نظریه هسته پژوهش با عنوان «الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری مشارکتی» شد. این الگو بر پنج مؤلفه کلیدی استوار است: (۱) استقلال نهادهای نظارتی، (۲) شفافیت فرآیندهای تصمیم‌گیری، (۳) پاسخگویی نهادهای تنظیم‌گر، (۴) مشارکت ذی‌نفعان، و (۵) انعطاف‌پذیری مقررات. یافته‌ها نشان داد که نظام حقوقی فعلی بازار سرمایه ایران با چالش‌های ساختاری عمیقی مواجه است، که مهم‌ترین آن‌ها «دوگانگی نقش دولت به‌عنوان هم‌بازیگر و هم‌داور» و «عدم تناسب مقررات با تحولات بازار» هستند.

مزیت اصلی به‌کارگیری روش داده‌بنیاد در این پژوهش، امکان کشف روابط پنهان بین عوامل مؤثر بود که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود. مثلاً تحلیل داده‌ها نشان داد که «فقدان مکانیزم‌های نظارتی چندلایه» با «افزایش ریسک فساد مالی» در بازار سرمایه ایران رابطه معناداری دارد. همچنین، این روش امکان توسعه یک چارچوب نظری بومی را فراهم آورد، که به‌خوبی بازتاب‌دهنده شرایط خاص اقتصادی، سیاسی، و حقوقی ایران است.

۲.۴. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل ۱۲ نفر از فعالان بازار سرمایه، کارشناسان و اساتید دانشگاه مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. بعد اول، نمونه‌گیری از افراد مورد مصاحبه صورت می‌گیرد، که عموماً نمونه‌گیری از نوع هدفمند است. اما در بعد دوم، با نمونه‌گیری نظری^۱ مواجه هستیم. در نمونه‌گیری نظری محققان داده‌ها را تحلیل می‌کنند و از نتایج حاصل از این تحلیل برای تصمیم‌گیری در خصوص جایگاه بعدی نمونه‌گیری استفاده می‌کنند. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌گویند، زیرا نظریه حاصله سمت‌وسوی گردآوری داده‌ها در آینده را تعیین می‌کند (Urquhart, 2013). تعداد نمونه‌ها در این تحقیق ۱۲ نفر بوده است، که با استفاده از روش گلوله برفی^۲ از مصاحبه‌شوندگان خواسته شده است تا افرادی مطلع در رابطه با موضوع تحقیق را برای انجام مصاحبه‌های بعدی معرفی کنند. مبنای اتمام مصاحبه‌ها، اشباع نظری بوده است.

1. Theoretical Sampling
2. Snowball Sampling

۳.۴. روش گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از مصاحبه‌های فردی نیمه‌ساخت یافته جمع‌آوری شده‌اند.

۴.۴. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای اشتراوس^۱ و کوربین^۲ (۲۰۰۸) انجام شده است. رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای پیشنهادشده توسط اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) یک روش تجزیه‌وتحلیل داده است که در تحقیقات نظریه‌زمینه‌ای برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های مصاحبه و توسعه یک نظریه استفاده می‌شود. این رویکرد شامل سه مرحله اصلی است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی (Struss & Corbin, 1998: 34-39).

۱. کدگذاری باز: در این مرحله، محقق داده‌ها را برای شناسایی کدهای اولیه که ایده‌ها یا مفاهیم فردی را توصیف می‌کنند، می‌خواند و دوباره می‌خواند. این مرحله شامل شناسایی الگوها و مضامین تکرارشونده در داده‌ها و تخصیص کد به آن‌ها است. کد باید تا حد امکان به داده‌ها نزدیک باشد و باید جوهر ایده‌ای را که شرح داده می‌شود، در بر گیرد.

۲. کدگذاری محوری: در این مرحله محقق از کدها برای ایجاد مقوله‌ها و پیوند دادن آن‌ها به یکدیگر استفاده می‌کند تا روابط و زمینه‌هایی را که در آن ایده‌ها یا مفاهیم رخ می‌دهند، منعکس کند. این مرحله شامل ایجاد یک چارچوب کدگذاری اولیه است، که روابط بین کدها و نظریه در حال توسعه را توصیف می‌کند.

۳. کدگذاری انتخابی: در این مرحله نهایی، محقق با استفاده از مقوله‌ها و روابط مشخص شده در مرحله کدگذاری محوری، مرتبط‌ترین و مهم‌ترین کدها را برای گنجاندن در نظریه نهایی انتخاب می‌کند. این مرحله شامل پالایش و ادغام کدها در یک پیکربندی نهایی است، که به بهترین وجه تئوری در حال توسعه را نشان می‌دهد.

رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای یک روش منعطف و قابل انطباق است که می‌توان آن را تغییر داد و متناسب با نیازهای خاص یک مطالعه تحقیقاتی خاص تطبیق داد. این یک ابزار مفید برای محققانی است که علاقه‌مند به توسعه یک نظریه زمینه‌ای هستند، که به جای مفاهیم یا نظریه‌های ازپیش‌تعیین‌شده، مبتنی بر تجربه خود شرکت‌کنندگان در تحقیق است.

1. Anselm Strauss

2. Juliet Corbin

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. وضعیت فعلی تنظیم‌گری بازار سرمایه در ایران

ساختار قانونی بازار سرمایه ایران در سه حوزه کلیدی سازمان‌های تنظیم‌گر، سازکارهای حل اختلاف و نظام جرائم و مجازات‌ها طراحی شده است. قوانین مرتبط، به‌ویژه قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، چارچوب فعالیت این حوزه‌ها را تعیین می‌کند. با بررسی دقیق این قانون، چالش‌ها و تناقض‌هایی در اجرای اصول خودانتظامی بازار قابل شناسایی است.

۵.۱.۱. سازمان‌های تنظیم‌گر

مطابق ماده ۳ قانون بازار اوراق بهادار، شورای عالی بورس به‌عنوان نهاد قانون‌گذار شامل مقاماتی مانند وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی و رئیس کل بانک مرکزی است و ریاست آن با وزیر امور اقتصادی و دارایی است. به استناد ماده ۴ و تبصره آن، مصوبات شورا تنها پس از تأیید وزیر اقتصاد لازم‌الاجرا خواهد بود. این ساختار نشان‌دهنده وابستگی عملکرد بازار سرمایه به نهادهای دولتی است، درحالی‌که در ماده ۱ همین قانون، بورس به‌عنوان بازاری «خودانتظام» تعریف شده است. از سوی دیگر، در بند ۶ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار، «تشکل‌های خودانتظام» دارای صلاحیت تنظیم مقررات شناخته شده‌اند. با این حال، سازمان بورس ملزم است که کلیه مصوبات خود را مطابق ماده ۷، پس از تصویب هیئت‌مدیره و تأیید وزیر اقتصاد، به‌عنوان رئیس شورای عالی بورس، اجرایی کند. این وابستگی، با اصل خودانتظامی در تعارض است و نقش دولت را در فرآیند تنظیم‌گری بسیار پررنگ می‌کند.

۵.۱.۲. سازکارهای حل اختلاف

بر اساس ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، رسیدگی به اختلافات بین فعالان بازار سرمایه، ابتدا در کانون‌ها انجام می‌شود و در صورت نبود سازش، موضوع به هیئت داورى ارجاع می‌شود. این هیئت متشکل از سه عضو است: یک نفر به انتخاب رئیس قوه قضاییه، و دو نفر با پیشنهاد سازمان و تأیید شورای عالی بورس. در این میان، کانون‌ها نقش اولیه در فرآیند حل اختلاف را ایفا می‌کنند. طبق تبصره ۱ ماده ۳۷ همین قانون، ریاست هیئت داورى با نماینده قوه قضاییه است، که موقعیتی بالاتر در فرآیند داورى دارد. با توجه به نقش تأییدی شورای عالی بورس در انتخاب دو عضو دیگر هیئت، و ریاست وزیر اقتصاد بر شورا، نقش نهادهای اجرایی و قضایی در حل اختلاف پررنگ است. این ساختار باعث می‌شود که مکانیزم حل اختلاف، برخلاف ظاهر خودانتظام آن، عملاً وابسته به مداخلات دولتی و قضایی باشد. همچنین اصل ۱۵۹ قانون اساسی دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات می‌داند که نقش قوه قضاییه را تثبیت می‌کند.

۵.۱.۳. جرائم و مجازات‌ها

مطابق ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار، رسیدگی به تخلفات انضباطی کارگزاران و سایر فعالان بازار بر عهده هیئت‌مدیره بورس است و آرای آن‌ها ظرف یک ماه قابل تجدیدنظر در سازمان بورس خواهد بود. تصمیم نهایی سازمان طبق این ماده، قطعی و لازم‌الاجراست. این سیستم، ظاهراً نشانی از خودتنظیمی دارد، زیرا نهادهای درون‌بورسی خود مسئول پیگیری تخلفات هستند.

با این حال، رسیدگی به جرائم کیفری خارج از صلاحیت سازمان بورس است. طبق مواد ۴۶ تا ۵۱ قانون بازار اوراق بهادار، مجموعه‌ای از جرائم تعریف شده‌اند، اما ماده ۵۲ نقش سازمان بورس را به «اطلاع‌دهنده و گردآورنده» کاهش می‌دهد. بر همین اساس، صلاحیت ذاتی رسیدگی قضایی و صدور حکم مجازات بر عهده قوه قضاییه است، و سازمان بورس تنها در حوزه کشف و تحقیق صلاحیت دارد. این تفکیک نشان‌دهنده محدودیت حقوقی خودانتظامی در حوزه جرائم است.

۵.۲. کدگذاری باز

۵.۲.۱. تحلیل داده‌بنیاد مصاحبه‌ها: تبیین مفاهیم از زبان مشارکت‌کنندگان

در راستای تقویت رویکرد داده‌بنیاد در این پژوهش و با هدف وفاداری به تجربه‌های زیسته و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، بخش پیش‌رو به تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها اختصاص دارد. در این بخش، گزیده‌هایی از نقل‌قول‌های مستقیم متخصص‌هایی که در فرآیند پژوهش مشارکت داشتند، به همراه کدهای استخراج‌شده ارائه شده است. این تحلیل کیفی به روش استقرایی انجام شده است و کدها به‌گونه‌ای سازمان یافته‌اند که مفاهیم کلیدی شکل گرفته از دل داده‌ها را نمایان سازند. چنین رویکردی زمینه‌ساز تبیین عمیق‌تر از پدیده مورد مطالعه بر اساس شواهد تجربی خواهد بود.

کدگذاری باز نخستین گام در تحلیل داده‌بنیاد است، که طی آن داده‌های خام به واحدهای کوچک‌تر مفهومی شکسته و مفاهیم پایه‌ای شناسایی و برجسب‌گذاری می‌شوند. این مرحله با هدف کاوش عمیق و بدون پیش‌فرض نظری، به استخراج مفاهیم بنیادین از زبان مشارکت‌کنندگان اختصاص دارد. در این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از متخصصان حقوق، اقتصاد، فناوری مالی و مدیران نهادهای ناظر بازار سرمایه انجام شد، که هر یک از آن‌ها با دیدگاه‌های متنوع، وضعیت تنظیم‌گری بازار سرمایه ایران را از منظر حقوقی و داده‌محور تشریح کردند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین مفاهیم اولیه و نمونه نقل‌قول‌های برجسته آورده شده است.

یکی از مفاهیم پرتکرار، ابهام در جایگاه حقوقی و مرجعیت نهادهای تنظیم‌گر بازار سرمایه بود. مشارکت‌کنندگان به‌صراحت از وجود تداخل وظایف میان سازمان بورس، شورای عالی بورس، وزارت امور

اقتصادی و دارایی، و نهادهای دیگر یاد کردند. این ابهام موجب سردرگمی فعالان بازار و کاهش کارایی نظارت شده است.

«سازمان بورس هم مجری است، هم تنظیم‌گر، و هم ناظر و حتی در برخی موارد به‌نوعی قانون‌گذار. این همه نقش در یک نهاد، باعث می‌شود که هیچ‌کس مسئولیت مشخصی نداشته باشد.» (عضو هیئت‌مدیره یکی از نهادهای مالی)

«وزارت اقتصاد، شورای عالی بورس، سازمان بورس و نهادهای دیگر هر کدام قلمرو خاص خود را دارند، ولی مرزها روشن نیست. وقتی کسی مسئولیتی را نمی‌پذیرد، پاسخگویی هم بی‌معنا می‌شود.» (پژوهشگر حوزه حقوق مالی)

این ابهام نهادی را می‌توان به‌عنوان «مرزهای حقوقی نامشخص» تعریف کرد، که خود عاملی برای پیچیدگی در فرآیند تنظیم‌گری به شمار می‌آید.

موضوع دیگری که از تمام گروه‌ها به‌طور مکرر مطرح شد، نبود شفافیت در ارائه داده‌های مرتبط با بازار سرمایه و محدودیت دسترسی عمومی به اطلاعات کلیدی است. فعالان بازار، کارشناسان فناوری مالی و حتی برخی نهادهای نظارتی به نبود زیرساخت مناسب داده‌ای اشاره کردند.

«داده‌های پایه‌ای مثل اطلاعات معاملات روزانه، ترکیب مالکیت سهام و نحوه اعمال تغییرات در ساختار شرکت‌ها به شکل پراکنده و با تأخیر منتشر می‌شوند. این موضوع دست ما را در تحلیل و پیش‌بینی بازار می‌بندد.» (مدیرعامل یک شرکت تحلیل داده‌های مالی)

«یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، عدم دسترسی به داده‌های شفاف است. حتی اطلاعات مربوط به جرائم و تخلفات انضباطی به‌صورت رسمی منتشر نمی‌شود. چطور می‌توان انتظار داشت نظارت داده‌محور باشد، وقتی داده‌های لازم وجود ندارد؟» (کارشناس فناوری مالی)

این موضوع موجب خلق مفاهیمی نظیر «پنهان‌کاری اطلاعاتی»، «داده‌های ناقص و با تأخیر» و «نابرابری دسترسی به اطلاعات» شد، که همگی نشان‌دهنده موانع جدی بر سر راه شفافیت و پاسخگویی هستند.

اغلب صاحب‌شوندگان به مسأله تصمیم‌گیری‌های غیرسیستماتیک و مبتنی بر سلیقه در فرآیندهای تنظیم‌گری اشاره کردند. این مفهوم که با عباراتی همچون «تنظیم‌گری فردمحور»، «سلیقه‌ای بودن در صدور مجوزها» و «فقدان استانداردهای عینی» بیان شد، یکی از چالش‌های بزرگ در نظام حقوقی بازار سرمایه به شمار می‌آید.

«تصمیمات در بازار سرمایه گاهی بیشتر بر اساس روابط و سلايق مدیران اتخاذ می‌شود تا مستندات داده‌ای و معیارهای شفاف. این موضوع اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند.» (مشاور حقوقی یکی از سازمان‌های ناظر)

«ما برای صدور مجوز شرکت‌ها و نهادهای مالی هیچ شاخص داده‌محوری نداریم. مثلاً یک شرکت در عرض یک ماه مجوز می‌گیرد و دیگری که شاید بهتر عمل کند، ماه‌ها منتظر می‌ماند. این بی‌عدالتی ساختاری باعث ناامیدی فعالان بازار شده است.» (عضو سابق هیئت‌مدیره سازمان بورس)

این موضوع منجر به برداشت‌هایی از قبیل «بی‌ثباتی مقررات»، «فقدان شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری» و «عدم پاسخگویی در سطح نهادی» شده است.

یکی از مفاهیم مهم دیگر، فقدان مکانیزم‌های پاسخگویی و بازخورد در نظام تنظیم‌گری بازار سرمایه است. مشارکت‌کنندگان به نبود فرآیندهای رسمی برای ارزیابی اثربخشی مقررات پس از اجرا و کمبود تعامل سازنده میان تنظیم‌گران و فعالان بازار اشاره کردند.

«وقتی مقررات جدیدی صادر می‌شود، هیچ گزارشی درباره تأثیر آن بر بازار و فعالان منتشر نمی‌شود. به همین دلیل، هم تصمیم‌گیرندگان و هم فعالان بازار نمی‌توانند عملکرد تنظیم‌گر را ارزیابی کنند.» (تحلیل‌گر بازار سرمایه)

«هیچ فرآیند بازخورد و اصلاحی وجود ندارد. تنظیم‌گر قانون را می‌نویسد و تمام؛ بدون آن که ببیند آیا اجرا شده یا چه مشکلاتی ایجاد کرده است.» (کارشناس حقوق مالی)

این موارد باعث ظهور مفاهیمی نظیر «فقدان نظام بازخورد»، «عدم پاسخگویی ساختاری» و «تعامل ناپذیری نهادی» شده‌اند.

با ورود فناوری‌های نوین مالی و دیجیتال‌سازی فرآیندهای بازار سرمایه، چالش جدی میان قوانین موجود و فناوری‌های نوین مطرح شد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، به‌ویژه فعالان حوزه فناوری مالی (فین‌تک)، از عقب‌ماندگی حقوقی در پذیرش و تنظیم فناوری‌های جدید گلایه کردند.

«قوانین ما هنوز بر اساس ساختارهای سنتی و مدل‌های قدیمی تنظیم شده‌اند. درحالی‌که الان الگوریتم‌های معاملاتی پیشرفته، داده‌کاوی و قراردادهای هوشمند داریم، که نیازمند چارچوب‌های حقوقی نوین هستند.» (مدیرعامل یک استارت‌آپ حوزه فین‌تک)

«نهادهای تنظیم‌گر به فناوری‌های نوین واکنش مناسبی نشان نمی‌دهند و حتی در مواردی مقاومت هم دارند. این باعث می‌شود نوآوری‌ها یا به درستی تنظیم نشوند یا به کلی از بازار حذف شوند.» (متخصص فناوری اطلاعات مالی)

این بازتاب‌ها باعث شکل‌گیری مفاهیمی همچون «تضاد زمانی میان فناوری و حقوق»، «مقاومت نهادی در برابر نوآوری» و «سستی چارچوب حقوقی در تطبیق با فناوری‌های نوین» شد.

یکی از نکات کمتر مطرح اما قابل توجه، کمبود آموزش و فرهنگ‌سازی پیرامون اهمیت داده‌ها و تنظیم‌گری مبتنی بر داده بود. برخی مصاحبه‌شوندگان بر ضرورت افزایش آگاهی میان مدیران، کارکنان نهادهای ناظر و فعالان بازار تأکید کردند.

«تنظیم‌گری داده‌محور نیازمند تغییر نگرش و فرهنگ در سازمان‌ها است. متأسفانه این فرهنگ هنوز در نهادهای نظارتی و حتی بازار سرمایه نهادینه نشده است.» (پژوهشگر حوزه مدیریت داده)

«آموزش و توانمندسازی نیروهای انسانی در استفاده از داده‌های بازار و تحلیل آن‌ها، یکی از الزامات اساسی برای موفقیت هر طرح داده‌محور است.» (کارشناس فناوری اطلاعات)

مفاهیمی چون «کم‌اطلاعی از مزایای داده‌محوری»، «فرهنگ سازمانی نامناسب» و «نیاز به آموزش تخصصی» در این بخش برجسته شدند.

همچنین بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر ضرورت افزایش هماهنگی میان نهادهای تنظیم‌گر، نهادهای مالی، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان تأکید کردند. عدم همکاری و گفت‌وگوی سازنده بین این بازیگران، مانع شکل‌گیری نظام تنظیم‌گری یکپارچه و کارآمد شده است.

«تنظیم‌گری بازار سرمایه فقط کار سازمان بورس نیست؛ نیازمند همکاری تمام نهادها و بازیگران است. متأسفانه ارتباطات و هماهنگی‌ها در سطح مطلوبی نیست.» (مدیرعامل یکی از نهادهای مالی)

«گفت‌وگو با فعالان بازار و دریافت بازخورد از آن‌ها باید بخشی از فرآیند تنظیم‌گری باشد؛ نه اینکه مقررات به صورت یک‌طرفه و بدون مشارکت تصویب شوند.» (کارشناس توسعه بازار سرمایه)

این نکته باعث شکل‌گیری مفاهیمی چون «ضعف همکاری نهادی»، «فقدان مشارکت ذی‌نفعان» و «ناهماهنگی ساختاری» شد.

در نهایت، از تحلیل اولیه متون مصاحبه‌ها بیش از ۱۲۷ مفهوم اولیه استخراج شد که طیف وسیعی از مسائل و چالش‌های موجود در نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه ایران را پوشش می‌داد. این مفاهیم نه تنها تصویری روشن از وضعیت موجود ارائه می‌دهند، بلکه پایه‌ای برای شکل‌گیری نظریه و طراحی الگوی داده‌محور تنظیم‌گری فراهم می‌آورند. در گام بعدی، این مفاهیم در قالب مقوله‌های محوری و دسته‌بندی‌های ساختاری، سازماندهی و مدل‌سازی شدند تا ارتباطات میان آن‌ها روشن‌تر و کاربردی‌تر شود.

۵.۲.۲. استخراج مضامین اصلی

در مرحله بعد، ۸ مضمون کلیدی شناسایی شد که هر یک نمایان‌گر ابعاد مختلفی از نظام حقوقی و نظارتی بازار سرمایه در ایران هستند. این مضامین شامل چارچوب قانونی و نظارتی، نقش دولت در تنظیم‌گری، تحولات اقتصادی و خصوصی‌سازی، چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری، ضرورت و طراحی الگوی نظام حقوقی، تعاملات بین بازیگران بخش مالی، ساختارهای نهادی و سازمانی، و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بودند.

برای هر یک از این مضامین، ۱۵ کد استخراج شد که به توصیف دقیق‌تر و عمیق‌تر ابعاد مختلف هر

مضمون کمک می‌کند. این کدها، به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادی، جزئیات لازم برای بررسی وضعیت موجود در بازار سرمایه ایران را فراهم می‌کنند و به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های کلیدی با هدف بهبود نظام حقوقی تنظیم‌گری می‌پردازند. به‌طور خاص، کدگذاری محوری به ما این امکان را می‌دهد که روابط متقابل میان مضامین را بررسی کنیم و به تحلیل عوامل مؤثر بر بازار سرمایه ایران بپردازیم. از آنجا که نظام حقوقی و نظارتی بازار سرمایه نقش بسیار مهمی در سلامت و عملکرد این بازار ایفا می‌کند، توجه به این مضامین و کدها می‌تواند در بهبود فرآیندهای قانونی و نظارتی، و همچنین در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مؤثر باشد.

در ادامه، جدول مضامین و کدهای مرتبط با پژوهش ارائه می‌شود که می‌تواند به درک عمیق‌تری از وضعیت و چالش‌های موجود در بازار سرمایه ایران کمک کند.

مضامین	کدها
چارچوب قانونی و نظارتی	۱. نقش قوانین
	۲. قانون بازار اوراق بهادار
	۳. مقررات نظارتی
	۴. سازمان‌های نظارتی
	۵. تعهدات قانونی
	۶. شفافیت قوانین
	۷. نیاز به اصلاحات قانونی
	۸. سازگاری قوانین با استانداردهای بین‌المللی
	۹. ظرفیت اجرایی قوانین
	۱۰. فرآیند تصویب قوانین
	۱۱. نقش دادگاه‌ها در تفسیر قوانین
	۱۲. نظارت بر رعایت قوانین
	۱۳. بررسی و ارزیابی قوانین
	۱۴. حقوق مصرف‌کنندگان
	۱۵. پیگیری قانونی
نقش دولت در تنظیم‌گری	۱. نقش تاریخی دولت
	۲. نظارت دولت
	۳. موانع دولتی
	۴. سیاست‌گذاری اقتصادی
	۵. تحول نقش دولت
	۶. دخالت دولت در بازار

مضامین	کدها
	۷. انحصار دولتی
	۸. ظرفیت دولت در تنظیم‌گری
	۹. مشارکت دولت و بخش خصوصی
	۱۰. تأثیر تحریم‌ها بر نقش دولت
	۱۱. فساد در نهادهای دولتی
	۱۲. شفافیت عملکرد دولت
	۱۳. تأمین مالی دولت
	۱۴. تأثیر تصمیمات دولتی بر بازار
	۱۵. نیاز به تغییر در سیاست‌گذاری‌ها
	۱. تحولات فناوری
	۲. خصوصی‌سازی صنایع
	۳. شرکت‌های خصوصی
	۴. گزارش‌های خصوصی
	۵. تحولات جهانی
	۶. اثرات خصوصی‌سازی بر بازار
	۷. رقابت بین بخش خصوصی و دولتی
	۸. نوآوری در شرکت‌های خصوصی
	۹. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی
	۱۰. تغییرات در ساختار بازار
	۱۱. سیاست‌های حمایتی از خصوصی‌سازی
	۱۲. تحلیل بازارهای مالی جهانی
	۱۳. توسعه کسب‌وکارهای نوپا
	۱۴. تجارب موفق جهانی
	۱۵. نقش نهادهای بین‌المللی در خصوصی‌سازی
تحولات و گسترش بخش خصوصی	
	۱. چالش‌های قانونی
	۲. موانع اجرایی
	۳. فقدان شفافیت
	۴. کاهش اعتماد عمومی
	۵. رقابت ناسالم
	۶. عدم انطباق قوانین با واقعیت
	۷. مشکلات مربوط به اجرای قوانین
	۸. عدم آگاهی ذینفعان
	۹. بی‌ثباتی اقتصادی
چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری	

مضامین	کدها
	۱۰. فساد در بازار
	۱۱. ضعف در نظارت
	۱۲. تأثیر بحران‌ها بر تنظیم‌گری
	۱۳. فقدان اطلاعات دقیق
	۱۴. نبود سیستم‌های قانونی قوی
	۱۵. چالش‌های بین‌المللی
	۱. ضرورت طراحی الگو
	۲. الگوی مبتنی بر داده
	۳. مدل‌های بین‌المللی
	۴. بررسی تعاملات
	۵. هدف‌گذاری
	۶. تحلیل نیازهای بازار
	۷. ایجاد یک چارچوب جامع
	۸. بررسی تجارب موفق جهانی
	۹. طراحی نظام حقوقی نوآورانه
	۱۰. هم‌افزایی با بخش خصوصی
	۱۱. نیاز به مشاوره با کارشناسان
	۱۲. شفاف‌سازی فرایندها
	۱۳. تدوین قوانین جدید
	۱۴. نظارت بر پیاده‌سازی الگو
	۱۵. ارزیابی مستمر نظام حقوقی
ضرورت و طراحی الگوی نظام حقوقی	
	۱. بازیگران اصلی
	۲. همکاری‌ها
	۳. رقابت‌ها
	۴. شبکه‌های مالی
	۵. نقش مشتریان
	۶. تعاملات بین‌نهادی
	۷. تأثیرات متقابل
	۸. تشکیل کنسرسیوم‌های مالی
	۹. مشارکت در پروژه‌های مشترک
	۱۰. تأثیر فناوری بر تعاملات
	۱۱. روابط عمومی بین مؤسسات
	۱۲. تحلیل رفتار مشتریان
تعاملات بین بازیگران بخش مالی	

مضامین	کدها
	۱۳. تنوع خدمات مالی
	۱۴. بازخورد مشتریان
	۱۵. شیوه‌های جدید ارتباطی
	۱. سازمان‌های مالی
	۲. مدیریت ریسک
	۳. فرآیندهای اداری
	۴. تحلیل ساختار
	۵. اصلاحات نهادی
	۶. نقش کمیسیون‌ها
	۷. مسئولیت‌های نهادی
ساختارهای نهادی و سازمانی	۸. تأثیر ساختارها بر کارایی
	۹. ضعف‌های ساختاری
	۱۰. همگرایی نهادها
	۱۱. نظام‌های اطلاعاتی
	۱۲. چالش‌های مدیریتی
	۱۳. توانمندسازی نهادها
	۱۴. آموزش و توانمندسازی کارکنان
	۱۵. رویکردهای جدید در مدیریت
	۱. تأثیر بر سرمایه‌گذاران
	۲. تأثیر بر اقتصاد کلان
	۳. تأثیرات اجتماعی
	۴. آگاهی عمومی
	۵. توسعه پایدار
	۶. تأثیر بر سطح اشتغال
	۷. توزیع ثروت
	۸. ارتقای کیفیت زندگی
	۹. روابط اقتصادی بین‌المللی
	۱۰. تأثیر بر سیاست‌های اجتماعی
	۱۱. نیاز به آموزش عمومی
	۱۲. مشارکت اجتماعی
	۱۳. تأثیر بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی
	۱۴. تأثیر بر نوآوری‌های اجتماعی
	۱۵. تحلیل اثرات منفی و مثبت
تأثیرات اجتماعی و اقتصادی	

بازار سرمایه به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی هر اقتصاد مدرن، نقش بسیار مهمی در جذب سرمایه، تسهیل مبادلات مالی و ارتقای رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در شرایطی که بازار سرمایه ایران با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه است، شناسایی و تحلیل مضامین کلیدی مرتبط با نظام حقوقی و تنظیم‌گری این بازار، ضروری به نظر می‌رسد. به‌ویژه هشت مضمون استخراج‌شده در این پژوهش - شامل چارچوب قانونی و نظارتی، نقش دولت در تنظیم‌گری، تحولات اقتصادی و خصوصی‌سازی، چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری، ضرورت و طراحی الگوی نظام حقوقی، تعاملات بین بازیگران بخش مالی، ساختارهای نهادی و سازمانی، و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی - به‌عنوان ابعاد حیاتی در درک بهتر وضعیت کنونی بازار سرمایه ایران و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آن شناسایی شده‌اند.

این مضامین نه‌تنها به توصیف عوامل مؤثر بر عملکرد بازار سرمایه کمک می‌کنند، بلکه ارتباطات بین آن‌ها نیز می‌تواند به شناسایی زمینه‌های بهبود و توسعه این بازار منجر شود. به‌علاوه، با بررسی دقیق این مضامین، امکان درک بهتر از تحولات و روندهای جهانی در بازار سرمایه و تأثیر آن بر نظام حقوقی و نظارتی ایران فراهم می‌شود. از این‌رو، توضیح و تحلیل این هشت مضمون به‌عنوان بخشی از پژوهش حاضر، به ما این امکان را می‌دهد که نه‌تنها وضعیت موجود را ارزیابی کنیم، بلکه راهکارهای عملی و مؤثری برای بهبود و توسعه بازار سرمایه ایران پیشنهاد دهیم. در نتیجه، این تحقیق به‌عنوان یک گام مهم با هدف ارتقای کیفیت نظام حقوقی و تنظیم‌گری بازار سرمایه، و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۵.۲.۲.۱. چارچوب قانونی و نظارتی

چارچوب قانونی و نظارتی بازار سرمایه ایران به‌عنوان اساسی‌ترین بستر برای عملکرد صحیح و کارآمد بازار محسوب می‌شود. قانون بازار اوراق بهادار که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید، پایه‌گذار یک نظام قانونی برای این بازار است و به‌منظور تأمین شفافیت و حمایت از سرمایه‌گذاران تدوین شده است. اما با وجود چنین قانونی، چالش‌هایی مانند نبود شفافیت در اطلاعات مالی، کمبود سیستم‌های نظارتی مؤثر و ابهامات قانونی باعث کاهش اعتماد عمومی به بازار شده‌اند. به‌علاوه، قوانین موجود باید به‌طور مداوم به‌روزرسانی شوند، تا با تحولات سریع بازارهای مالی جهانی همگام باشند.

۵.۲.۲.۲. نقش دولت در تنظیم‌گری

دولت ایران از نظر تاریخی نقشی کلیدی در تنظیم‌گری بازار سرمایه ایفا کرده است، به‌ویژه از طریق نهادهایی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار. با این حال، این نقش عموماً به‌صورت متمرکز و

کنترل گرایانه بوده است که می‌تواند به بروز مشکلاتی از جمله انحصار دولتی، فساد و عدم کارایی منجر شود. اخیراً با ظهور بازیگران جدید و نهادهای خصوصی، ضرورت بازنگری در این نقش و ایجاد یک فضای رقابتی‌تر احساس می‌شود. به‌طور خاص، تغییرات در سیاست‌های دولتی و افزایش همکاری بین دولت و بخش خصوصی می‌تواند به بهبود کیفیت تنظیم‌گری و عملکرد بازار سرمایه کمک کند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

۵.۲.۲.۳. تحولات و گسترش بخش خصوصی

تحولات اقتصادی و روند خصوصی‌سازی در ایران تأثیرات قابل توجهی بر بازار سرمایه داشته است. خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از اهداف برنامه‌های توسعه‌ای، به‌منظور کاهش حجم دولت و افزایش کارایی اقتصادی صورت گرفته است. با این حال، فرآیند خصوصی‌سازی در ایران با چالش‌های زیادی از جمله ناکارآمدی و فساد همراه بوده است. این مسائل نه‌تنها بر اعتبار خصوصی‌سازی تأثیر منفی گذاشته، بلکه موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه نیز شده است. به‌طور کلی، بررسی و بهبود فرآیند خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تقویت بازار سرمایه ایران ضرورت دارد (قائم‌منش، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

۵.۲.۲.۴. چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری

چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری در بازار سرمایه ایران به‌ویژه به نبود شفافیت و ضعف در اجرای قوانین برمی‌گردد (قاسمی و کمالی، ۱۴۰۲: ۱۵-۱۶). مشکلاتی مانند ضعف نهادهای نظارتی، نبود سازکارهای مؤثر برای رسیدگی به تخلفات، و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به نهادهای دولتی، از جمله عوامل مؤثر در کاهش کارایی بازار سرمایه هستند. این موانع می‌توانند به تشدید بحران‌های مالی و اقتصادی در کشور منجر شوند. بنابراین نیاز به ایجاد نهادهای مستقل و قوی و نیز بهبود فرآیندهای نظارتی برای افزایش اعتبار بازار سرمایه احساس می‌شود.

۵.۲.۲.۵. ضرورت و طراحی الگوی نظام حقوقی

ضرورت طراحی یک الگوی نظام حقوقی مناسب برای تنظیم بازار سرمایه ایران به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است (ذاکری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۲). این الگو باید با توجه به شرایط خاص ایران و چالش‌های موجود، به‌گونه‌ای طراحی شود که از حقوق سرمایه‌گذاران حمایت کند و شفافیت را در بازار افزایش دهد. طراحی یک چارچوب قانونی جامع که شامل قوانین حمایت از سرمایه‌گذاران، پیشگیری از فساد و ایجاد

بستر رقابتی باشد، می‌تواند به بهبود عملکرد بازار سرمایه کمک کند. همچنین به کارگیری تجارب جهانی و بهترین شیوه‌ها در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد.

۵.۲.۲.۶. تعاملات بین بازیگران بخش مالی

تعاملات بین بازیگران بخش مالی از جمله نهادهای دولتی، مؤسسات مالی و شرکت‌های خصوصی، نقشی حیاتی در بهبود وضعیت بازار سرمایه دارند. این تعاملات می‌توانند به افزایش شفافیت، بهبود خدمات و ایجاد اعتماد عمومی در بازار منجر شوند. با این حال، رقابت‌های ناسالم و نبود تعاملات سازنده می‌تواند تأثیرات منفی بر بازار داشته باشد. ایجاد فضایی برای همکاری و تعامل مؤثر بین این بازیگران می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی بازار سرمایه ایران کمک کند.

۵.۲.۲.۷. ساختارهای نهادی و سازمانی

ساختارهای نهادی و سازمانی بازار سرمایه ایران شامل نهادهایی نظیر سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های بورس و دیگر مؤسسات مالی هستند. ضعف در این ساختارها می‌تواند به بروز مشکلاتی نظیر فساد، ناکارآمدی و نبود شفافیت منجر شود. به منظور بهبود این وضعیت، نیاز به تقویت نهادهای نظارتی و ایجاد ساختارهای مؤثر برای نظارت و تنظیم بازار وجود دارد. همچنین، بهبود فرآیندهای اداری و ایجاد نظام‌های اطلاعاتی قوی می‌تواند به بهبود عملکرد این نهادها کمک کند.

۵.۲.۲.۸. تأثیرات اجتماعی و اقتصادی

تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بازار سرمایه بر جامعه و اقتصاد ایران غیرقابل انکار است. بازار سرمایه می‌تواند به عنوان یک ابزار برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد اشتغال عمل کند و در نتیجه به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند. اما برای بهره‌برداری بهینه از این تأثیرات، نیاز به سیاست‌گذاری‌های هوشمند و برنامه‌ریزی دقیق وجود دارد. به علاوه، ایجاد آگاهی عمومی و مشارکت اجتماعی در فرآیندهای اقتصادی و بازار سرمایه می‌تواند به افزایش اعتماد و تعامل مثبت بین سرمایه‌گذاران و بازار منجر شود. الف) چارچوب قانونی و نظارتی

چارچوب قانونی و نظارتی بازار سرمایه ایران به عنوان اساسی‌ترین بستر برای عملکرد صحیح و کارآمد بازار محسوب می‌شود. قانون بازار اوراق بهادار که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید، پایه‌گذار یک نظام قانونی برای این بازار است و به منظور تأمین شفافیت و حمایت از سرمایه‌گذاران تدوین شده است. اما با وجود چنین قانونی، چالش‌هایی مانند نبود شفافیت در اطلاعات مالی، کمبود سیستم‌های نظارتی

مؤثر و ابهامات قانونی باعث کاهش اعتماد عمومی به بازار شده‌اند. به‌علاوه، قوانین موجود باید به‌طور مداوم به‌روزرسانی شوند تا با تحولات سریع بازارهای مالی جهانی همگام باشند.

۵.۳. کدگذاری انتخابی

مرحله کدگذاری انتخابی، مرحله‌ای حیاتی در فرآیند تحلیل داده‌های کیفی است که در آن محقق با تمرکز بر مضامین و روابط شناسایی شده در مرحله کدگذاری محوری، مهم‌ترین و مرتبط‌ترین کدها را برای گنجاندن در نظریه نهایی انتخاب می‌کند. در این مرحله، هدف ایجاد یک پیکربندی نهایی است که به بهترین نحو نمایانگر نظریه در حال توسعه باشد. این پیکربندی شامل پالایش و ادغام کدها به‌گونه‌ای است، که تمام ابعاد کلیدی تحقیق را در بر بگیرد و به تحلیل دقیق‌تر وضعیت بازار سرمایه در ایران و چالش‌های آن بپردازد. ترکیب استراتژیک کدها در مرحله کدگذاری انتخابی یک فرآیند پیچیده و هدفمند است که به‌منظور شکل‌دهی به نظریه نهایی و درک عمیق‌تر از داده‌ها انجام می‌شود. در این مرحله، کدها با در نظر گرفتن اهمیت و ارتباطشان با یکدیگر، به‌گونه‌ای پالایش و ادغام می‌شوند که بتوانند به وضوح مضامین اصلی را نمایان کنند. در جدول زیر، کدهای انتخابی از مضامین شناسایی شده در مرحله کدگذاری محوری جمع‌آوری و به‌طور استراتژیک ادغام شده‌اند. این کدها نمایانگر اصلی‌ترین جنبه‌های مؤثر بر بازار سرمایه ایران هستند و می‌توانند به‌عنوان مبنای نظری و عملی برای طراحی الگوی نظام حقوقی و تنظیم‌گری بازار سرمایه مورد استفاده قرار گیرند.

مضامین	ترکیب راهبردی کدهای محوری
چارچوب قانونی و نظارتی	۱. شفافیت اطلاعات؛ ۲. اجرای دقیق قوانین؛ ۳. به‌روزرسانی مستمر قوانین
نقش دولت در تنظیم‌گری	۱. کاهش دخالت‌های غیرضروری دولت؛ ۲. تقویت نهادهای مستقل؛ ۳. سیاست‌گذاری‌های پایدار
تحولات و گسترش بخش خصوصی	۱. شفافیت در فرآیند خصوصی‌سازی؛ ۲. حمایت از بخش خصوصی؛ ۳. ارتقای نوآوری
چالش‌ها و موانع تنظیم‌گری	۱. ضعف در نهادهای نظارتی؛ ۲. دخالت‌های نهادهای دولتی؛ ۳. شفافیت پایین
ضرورت و طراحی الگوی نظام حقوقی	۱. حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران؛ ۲. ایجاد سازکارهای نظارتی مؤثر؛ ۳. مشارکت عمومی در طراحی
تعاملات بین بازیگران بخش مالی	۱. همکاری‌های بین‌نهادی؛ ۲. ارتقای سطح آگاهی؛ ۳. پاسخگویی به نیازهای بازار
ساختارهای نهادی و سازمانی	۱. تقویت نهادهای نظارتی؛ ۲. بهبود ساختارهای اداری؛ ۳. شفافیت نقش‌ها
تأثیرات اجتماعی و اقتصادی	۱. گسترش بخش خصوصی؛ ۲. توزیع عادلانه ثروت؛ ۳. تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی

۵.۴. الگوی پیشنهادی پژوهش

بر اساس مضامین استخراجی و کدگذاری انتخابی که انجام شد، می‌توان به یک الگوی نظام حقوقی کارآمد برای تنظیم‌گری بازار سرمایه ایران رسید. این الگو نه تنها به شناسایی چالش‌های موجود و بازیگران مختلف اشاره دارد، بلکه راهکارهای کلیدی برای بهبود و ارتقای تنظیم‌گری در این حوزه را نیز ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، این الگو بر پایه داده‌های استخراج‌شده و تحلیل‌های عمیق از محیط قانونی، اقتصادی، و اجتماعی ایران طراحی شده است.

۵.۴.۱. عناصر کلیدی الگوی پیشنهادی

در ادامه، الگوی پیشنهادی در پنج بخش اصلی ارائه می‌شود که بر اساس مضامین و کدهای نهایی تنظیم شده است:

۵.۴.۱.۱. چارچوب قانونی و نظارتی پویا و شفاف

- الزام به روزرسانی قوانین و مقررات: به دلیل تغییرات سریع اقتصادی و تکنولوژیک، نیاز به یک چارچوب حقوقی و نظارتی به‌روز و پویا وجود دارد. قوانین باید به‌صورت مستمر بازنگری شوند تا با شرایط روز و تحولات جهانی انطباق پیدا کنند.

- افزایش شفافیت در بازار سرمایه: شفافیت اطلاعاتی یکی از ارکان اصلی بازارهای کارآمد است. نظارت دقیق‌تر بر شرکت‌های بورسی و مؤسسات مالی باید تضمین‌کننده ارائه دقیق و جامع اطلاعات مالی به عموم باشد.

۵.۴.۱.۲. نقش دولت به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر، نه مداخله‌گر

- کاهش دخالت‌های مستقیم دولت در امور اجرایی: دولت باید به‌جای مداخله مستقیم در بازار سرمایه، به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر و نظارتی عمل کند. سیاست‌گذاری‌های کلان و تعیین قوانین کلی باید از سوی دولت باشد، اما مدیریت و نظارت اجرایی باید به نهادهای مستقل واگذار شود.

- تقویت نهادهای مستقل نظارتی: دولت باید به ایجاد و تقویت نهادهای نظارتی مستقل کمک کند تا این نهادها بتوانند بر فعالیت‌های مالی به‌طور مستقل نظارت کنند و از تضاد منافع جلوگیری شود.

۵.۴.۱.۳. تعاملات موثر بین بازیگران بخش مالی

- افزایش همکاری بین نهادهای مالی: ایجاد تعاملات سازنده و همکاری بین نهادهای مختلف مالی

(بانک‌ها، بورس، بیمه و...) ضروری است تا بازار سرمایه یکپارچه‌تر و هماهنگ‌تر عمل کند. این تعاملات باید با تسهیل فرآیندها و کاهش موانع بوروکراتیک حمایت شوند.

- پاسخگویی به نیازهای بازار و سرمایه‌گذاران: تنظیم‌گری باید مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های فعال در بازار باشد. توسعه زیرساخت‌های فناوری و ارائه ابزارهای جدید مالی برای پاسخگویی به این نیازها ضروری است.

۵.۴.۱.۴. توجه به بخش خصوصی سازی در چارچوب حقوقی شفاف

- حمایت قانونی از خصوصی سازی و تشویق به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی: الگوی حقوقی باید حمایت از بخش خصوصی را افزایش دهد و فرآیند خصوصی سازی را در چارچوب قانونی روشن و شفاف قرار دهد تا از فساد و سوءاستفاده جلوگیری شود.

- مدیریت کارآمد خصوصی سازی: تنظیم‌گری حقوقی باید برای بهبود فرآیند خصوصی سازی صنایع بزرگ، به‌ویژه در بازار سرمایه، قوانینی وضع کند که ضمن افزایش شفافیت، از توزیع ناعادلانه دارایی‌ها جلوگیری کند.

۵.۴.۱.۵. ساختار نهادی و سازمانی کارآمد

- ایجاد واحدهای مستقل نظارتی: الگوی حقوقی باید ساختار نهادی مشخصی برای نظارت بر بازار سرمایه تعیین کند، که شامل نهادهای مستقل و پاسخگو باشد.

- تقویت ساختارهای مدیریتی و اداری: مدیریت منابع انسانی، پیاده‌سازی فناوری‌های اطلاعاتی نوین و توسعه فرهنگ سازمانی در نهادهای نظارتی و اجرایی باید تقویت شود، تا کارآمدی بازار سرمایه افزایش یابد.

۵.۴.۱.۶. مکانیزم‌های پیشگیری و کنترل فساد

- ایجاد سازکارهای مؤثر برای پیشگیری از فساد مالی: یکی از چالش‌های اساسی در بازار سرمایه، وجود فساد است. باید سازکارهای قانونی شفاف برای کنترل و پیشگیری از فساد تقویت شوند و نظارت‌های مالی دقیق‌تری صورت گیرد.

- نظارت و پاسخگویی نهادهای نظارتی: نهادهای نظارتی خود باید تحت نظارت‌های مستقل قرار گیرند تا از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری شود و شفافیت در تمام سطوح بازار سرمایه تضمین شود.

۵.۱.۴.۷. تأثیرات اجتماعی و اقتصادی مثبت از طریق تنظیم‌گری هوشمند

- ارتقای اشتغال و رفاه اقتصادی: نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی داشته باشد.

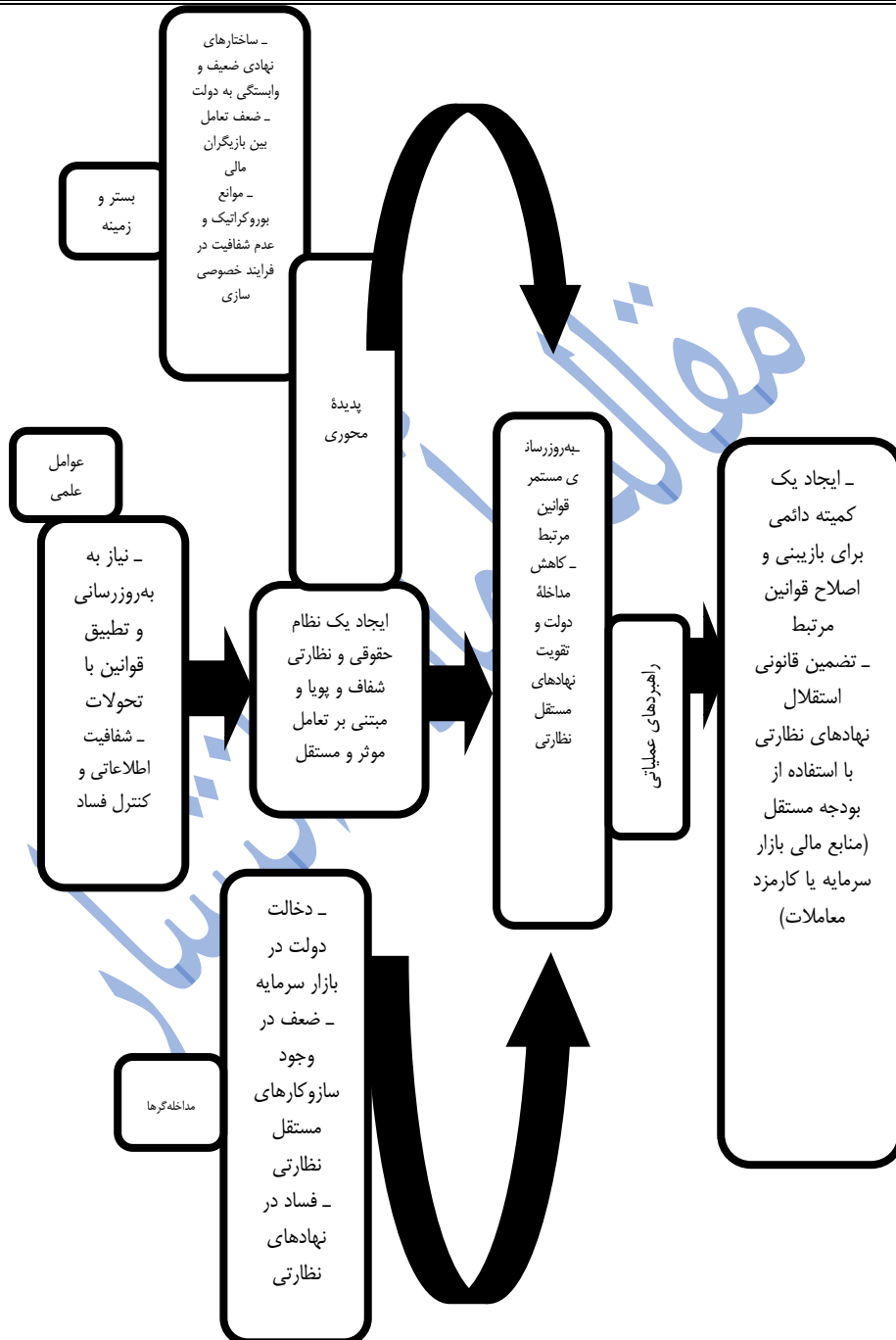
- تقویت اعتماد عمومی به بازار سرمایه: تنظیم‌گری حقوقی و نظارتی باید به‌نحوی باشد که اعتماد عمومی را به بازار سرمایه جلب کند و مشارکت اجتماعی را در فرآیند سرمایه‌گذاری افزایش دهد.

۵.۱.۴.۸. بهره‌برداری از تحولات تکنولوژیک در تنظیم‌گری

- ادغام فناوری‌های نوین در تنظیم‌گری: الگوی حقوقی باید به استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و داده‌کاوی در نظارت و تنظیم‌گری مالی توجه کند. این فناوری‌ها می‌توانند به بهبود کارایی و کاهش خطاها کمک کنند.

- ارتقای زیرساخت‌های فناوری اطلاعات: زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در بازار سرمایه باید به‌گونه‌ای توسعه یابد که امکان دسترسی سریع و شفاف به اطلاعات را برای نهادهای نظارتی و سرمایه‌گذاران فراهم کند.

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی
حامد برزگری دهج
انتشار



۶. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی طراحی الگوی نظام حقوقی تنظیم‌گری بازار سرمایه در ایران با رویکرد داده‌محور و به شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در این حوزه پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد یک نظام حقوقی کارآمد و پویا برای تنظیم بازار سرمایه، نه تنها به بهبود عملکرد این بازار کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به سیستم مالی کشور منجر شود. ضرورت طراحی یک الگوی جدید با رویکرد داده‌محور به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح شده است. این الگو باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از حقوق سرمایه‌گذاران حمایت کند و به بهبود فرآیندهای قانونی و نظارتی کمک کند. از این رو، نقش دولت به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر باید از مداخله‌گری به سمت نظارت و حمایت از بخش خصوصی تغییر کند. تقویت نهادهای مستقل نظارتی و کاهش دخالت‌های غیرضروری دولت می‌تواند به بهبود کیفیت تنظیم‌گری و ارتقای عملکرد بازار سرمایه کمک کند.

تعاملات مؤثر بین نهادهای دولتی، مؤسسات مالی و شرکت‌های خصوصی از دیگر عوامل کلیدی در بهبود وضعیت بازار سرمایه است. این تعاملات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که شفافیت و اعتماد عمومی را افزایش دهند و به توسعه بازار کمک کنند. همچنین، بازار سرمایه به‌عنوان یک ابزار مهم برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال، تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد کلان و جامعه دارد. برای بهره‌برداری بهینه از این تأثیرات، نیاز به سیاست‌گذاری‌های هوشمند و برنامه‌ریزی دقیق وجود دارد که به افزایش آگاهی عمومی و مشارکت اجتماعی در فرآیندهای اقتصادی کمک کند.

در نهایت، پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که طراحی یک الگوی نظام حقوقی مناسب برای تنظیم بازار سرمایه ایران می‌تواند به‌عنوان یک گام مهم با هدف ارتقای کیفیت نظام حقوقی و تنظیم‌گری، و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران در این بازار عمل کند. این الگو با توجه به شرایط خاص ایران و با استفاده از تجارب جهانی می‌تواند به بهبود عملکرد بازار سرمایه و افزایش اعتماد عمومی منجر شود. با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی به‌طور جدی به طراحی و اجرای این الگو بپردازند تا بتوانند چالش‌های موجود را برطرف کنند و زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار بازار سرمایه را فراهم آورند.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

- انصاری، علی؛ طوسی، عباس و حیدری سورشجانی، مریم (۱۳۹۴). تحلیل حقوقی ساختار شرکت بورس و نقش آن در افزایش کارایی معاملات بازار سرمایه. *بورس اوراق بهادار*، ۸، ۵۳-۷۱.

۲. باقری، محمود و احضاری، عباس (۱۳۹۸). ابعاد حقوقی بازار سرمایه غیرمتشکل؛ با نگرش تطبیقی در حقوق ایالات متحده آمریکا. پژوهش حقوق خصوصی، ۷ (۲۶).
۳. زارعی، محمدحسین و متانی، محمدعلی (۱۳۹۸). حقوق تنظیمی بانکی و آسیب‌های آن در نظام بانکی ایران. تحقیقات حقوقی، ۲۲ (۸۶)، ۱-۲۸.
۴. ذاکری‌نیا، حانیه؛ غلامپور، زهرا و باقری، محمود (۱۴۰۲). درآمدی بر ابعاد حقوقی معاملات الگوریتمی بازار بورس و اوراق بهادار. مطالعات حقوق خصوصی، ۵۳ (۲)، ۱۸۵-۲۰۴.
۵. قاسمی، ناصر و کمالی، محمد (۱۴۰۲). اصول رسیدگی به جرایم بورس اوراق بهادار در حقوق ایران. تمدن حقوقی، ۱۶ (۱۶)، ۵-۱۶.
۶. قائم‌منش، سیدعلی (۱۴۰۲). اصول و قواعد حاکم بر معاملات بورس اوراق بهادار. تمدن حقوقی، ۱۴، ۱۰۹-۱۲۲.
۷. منظور، داوود و حسین‌زاده یزدی، علی (۱۳۹۹). تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری نظام مالی در ایران: ارزیابی مقایسه‌ای. پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱۳ (۴۳)، ۱۴۹-۱۸۸.
۸. امامیان، سیدمحمدصادق؛ ذوالفقاری، امیرمحمد؛ محمدزاده، احسان و زمانیان، مرتضی (۱۳۹۷). مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با حکمرانی (گزارش). دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، (۱۵۹۴۰)، ۱-۵۶.
۹. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی مصوب سال ۱۳۸۴، قابل دسترسی در تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی rc.majlis.ir/fa/law/show/97

۲. انگلیسی

A) Book

1. Bora, A. (2017). *Semantic of Ruling: Reflective Theories Of Regulation, Governance and Law*. Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
2. Uche, Ch. (2000). *The Theory of Regulation, Department of Banking and Finance*. University of Nigeria Publication.
3. Urquhart, C. (2013). *Grounded theory for qualitative research*. London: Sage Publication.

B) Article

4. Abdmoulah, W. (2010). Testing the Evolving Efficiency of Arab Stock Markets. *International Review of Financial*, 19 (1), 25-34.
5. Andoni, M., & Robu, V. (2019). Flynn, Blockchain technology in the energy sector: A systematic review of challenges and opportunities. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, (100), 143-174.
6. Jung, C. (2011-2012). The False Choice between Financial Transparency and Litigant Confidentiality. *Citation*, 67 Bus. Law, 471.
7. Madura, J. (2010). *Financial Institutions and Market*, 9th edition, Florida, Atlantic university.

References In Persian:**A) Articles**

1. Ansari, A., Toosi, A., & Heidari Soreshjani, M. (2015). Legal Analysis of the Structure of the Stock Exchange Company and Its Role in Increasing the Efficiency of Capital Market Transactions, *Stock Exchange*, Year 8, 53-71 ([In Persian](#)).
2. Bagheri, M., & Ihzadari, A. (2019). Legal Dimensions of the Unorganized Capital Market; With a Comparative Perspective in the Law of the United States of America. *Private Law Research*, 7 (26) ([In Persian](#)).
3. Zarei, M. H., & Matani, M. A. (2019). Banking Regulatory Law and Its Damages in the Iranian Banking System. *Legal Research*, 22 (86), 1-28 ([In Persian](#)).
4. Zakerinia, H., Gholampor, Z., & Bagheri, M. (2014). An Introduction to the Legal Dimensions of Algorithmic Transactions in the Stock Exchange and Securities Market. *Private Law Studies*, 53 (2), 185-204 ([In Persian](#)).
5. Ghasemi, N., & Kamali, M. (2023). Principles of Handling Stock Exchange Crimes in Iranian Law. *Legal Civilization*, (16), 5-16 ([In Persian](#)).
6. Ghaemmanesh, S. A. (2023). Principles and Rules Governing Stock Exchange Transactions. *Legal Civilization*, (14), 109-122 ([In Persian](#)).
7. Manzoor, D., & Hosseinzadeh Yazdi, A. (2019). Regulation and Regulation of the Financial System in Iran: A Comparative Assessment, *Quarterly Journal of Monetary and Banking Research*, 13(43), 149-188 ([In Persian](#)).
8. Emamian, S. M. S., Zolfaghari, A., Mohammadzadeh, E., & Zamanian, M. (2018). The Concept of Regulation and Its Relationship with Governance (Report), Office of Public Sector Economic Studies, Deputy for Economica Research, (15940), 1-56 ([In Persian](#)).
9. Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran, approved in 2005, available on the website of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly rc.majlis.ir/fa/law/show/97 ([In Persian](#)).